

## تاریخچه روانپزشکی اصفهان

دکتر غلامحسین احمدزاده<sup>(۱)</sup>، دکتر آزاده ملکیان<sup>(۲)</sup>

### چکیده

شهر تاریخی اصفهان، بسیاری از کهن‌ترین یادواره‌های دانش و هنر و فرهنگ ایران و جهان را در خود دارد. مقاله حاضر حاصل مطالعه‌ای است غیرسیستماتیک و می‌کوشد خلاصه‌ای از مستندات موجود در ادبیات تاریخ طب این شهر را از آغاز نخستین جنبش‌های اجتماعی و علمی در مراقبت از بیماران مبتلا به اختلالات روانپزشکی تا امروز که شاهد رویش و گسترش علم روانپزشکی و شاخه‌های تخصصی آن به عنوان بخش ویژه‌ای از علم طب در شهر اصفهان هستیم روایت کند.

**کلیدواژه:** اصفهان؛ تاریخچه؛ روانپزشکی

[دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۳؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۶]

۳۷۲  
372

### تاریخچه روانپزشکی اصفهان

کودکی خود در این محل می‌گوید (۱):  
«باغ حاجی نورالله، برای من خاطره غم‌انگیزی به همراه داشته است. چرا که وقتی کودکی چهار- پنج ساله بودم، گاهی به قصد ملاقات یکی از آشنایان که زن جوانی بود که بعد از زایمان به بیماری روانی دچار شده بود، به همراه مادر و چند نفر از همسایگان به باغ حاجی نورالله می‌رفتم. بعد از طی مسیری طولانی، نگهبان محل، زنجیر زن بیمار را باز می‌کرد و او را به نزد ما می‌آورد. واقعاً وضعیت اسفباری بود؛ همه لباس‌هایش پاره و بدنش آلوده به نجاسات بود. سرش از خاک و خاشاک و پهن حیوانات پر بود. علاوه بر این‌ها جای تازیه‌هایی که برای تأدیب و آرام کردن به وی زده بودند و نیز محل گازگرفتگی سایر بیماران بر بدنش دیده می‌شد.»  
چندی پیش انجمن روانپزشکان اصفهان از خدمات ایشان تجلیل به عمل آورد.  
در حال حاضر در محل پیشین این باغ، یکی از بزرگترین مراکز درمانی سازمان تأمین اجتماعی (بیمارستان دکتر شریعتی) قرار دارد. پس از مدتی به همت تعدادی افراد خیر محل نگاهداری بیماران از باغ حاجی نورالله به باغ دیگری در

سرگذشت روانپزشکی اصفهان نیز مانند تاریخ این شهر کهن، شاهد نشیب و فرازهای فراوانی بوده است. بر اساس مدارک در دسترس، تا پیش از سال ۱۲۸۰ شمسی محل خاصی برای نگاهداری از بیماران روانی در اصفهان وجود نداشته است. به تدریج، با ایجاد تغییرات ساختاری در جامعه و تأسیس سازمان‌های مختلف از جمله سازمانی تحت عنوان بلدیه (شهرداری)، وظیفه حفظ و نگهداری بیماران روانی به عهده شهرداری‌ها گذاشته می‌شود. اگرچه اصفهان از معدود شهرهای ایران بوده که از حدود صد سال قبل دارای شهرداری بوده، قدیمی‌ترین مکان شناخته شده‌ای که شهرداری وقت اصفهان به منظور نگهداری از بیماران روانی در نظر می‌گیرد، ساختمانی نیمه مخروبه در باغی دورافتاده از شهر بود که به نام «باغ حاج آقا نورالله» معروف بوده است. دکتر اصغر رحیمی که سال‌ها به عنوان پزشک عمومی در مراکز نگهداری بیماران روانی مشغول به کار بوده است (در زمانی که هنوز روانپزشکی در اصفهان وجود نداشت و سایر پزشکان نیز کمتر حاضر به خدمت در چنین مکان‌هایی بودند)، در خاطره‌ای از دوران

<sup>(۱)</sup> روانپزشک، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. اصفهان، خیابان استاناداری، بیمارستان خورشید. دورنگار: ۰۳۱۳-۲۲۲۲۴۷۵ (نویسنده مسئول)

<sup>(۲)</sup> E-mail: ahmadzadeh@med.mui.ac.ir؛ روانپزشک، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

تازه چند روزی بود به عمارت مدرسه صدر سابق منتقل شده بود. همان عمارتی که اکثر طاق‌های آن فرو ریخته و خراب و ویران و دارای منظره موحشی بود، امروز به صورت عمارت بسیار زیبا و مصفایی در آمده است. برای تعمیر عمارت بیش از سی هزار ریال خرج نشده است. دومین چیزی که جلب نظر ما را کرد، عده موزیک پرورشگاه بود که در کناری ایستاده و برای دیوانگان مشغول نواختن نغمات روح‌پرور بودند.

برای نخستین بار در این مرکز سه پزشک فارغ‌التحصیل از دانشکده طب دانشگاه تهران به اسامی آقایان دکتر برومند، طیبی و مُدرک مشغول به کار می‌شوند. دکتر برومند سال‌ها مسئولیت اداره این مرکز را به عهده داشته است ولی متأسفانه به دلیل نبودن امکانات، به ویژه دارو و پرسنل آموزش‌دیده، چندان پیشرفتی در مداوا و بهبودی بیماران صورت نمی‌گیرد. استفاده از روش‌های غیرعلمی مانند کشیدن دندان‌های سالم بیماران - با تصور این که کشیدن دندان موجب خروج جنون از سر می‌گردد - کم و بیش انجام می‌شد و آن را معمولاً بدون بی‌حسی موضعی انجام می‌دادند (۱).

خاطراتی که اغلب شهروندان قدیمی اصفهان از این مکان دارند حاکی از شرایط بد و ناگوار نگهداری بیماران است. در مجموعه داستان یکی از نویسندگان قدیمی اصفهان، فضای آن زمان و این مکان چنین توصیف می‌شود (۴):

«آن سال‌ها در بیش عین کاروانسرا بود، دولنگه بزرگ چوبی رنگ شده و زهوار در رفته و سوراخ سوراخ؛ مسلماً سوراخ‌ها از دو طرف در ایجاد شده بود. عابران و بچه‌ها و حتی خانواده دیوانگان برای دیدن دیوانه‌ها از طرف خیابان چهار باغ خواجو و دیوانه‌ها برای دیدن عقلا از پشت در، از سوراخ‌ها دید می‌زدند. اغلب آن بیچاره‌ها (بیماران)، همان جا پشت در، به تقریب لخت و عور یا نیمه‌لخت روی هم تلمبار بودند.»

در سال ۱۳۳۰، با تلاش آقای دکتر منصور ادهم، بیمارستان کاوه در اصفهان تأسیس می‌شود. این بیمارستان در مقایسه با مراکز پیشین از امکانات بهتری در آن زمان برخوردار بود ولی عدم دسترسی به داده‌های جدید و فقدان روانپزشک و پرسنل موجب می‌شود پس از مدت کوتاهی از همان روش‌های نادرست گذشته استفاده شود. به گفته بعضی همکاران، اقلام دارویی محدودی وجود داشته و در مواردی که بیماران به آنها پاسخ نمی‌دادند گاهی پرسنل به دور از چشم پزشکان متوسل به غل و زنجیر و حتی در مواردی پرت کردن بیمار از بلندی و شکستن دست و پای آنها به منظور آرام کردنشان می‌شدند (۱).

انتهای خیابان شاهپور (دکتر بهشتی فعلی) منتقل می‌شود. محل جدید دارای چند اتاق بزرگ و محوطه نسبتاً وسیعی پوشیده از درختان تنومندی بود که گاه از آن برای بستن بیماران استفاده می‌شد. این باغ دیوارهای بلندی داشت و ضلع جنوبی آن نیز به قسمت عمیق زاینده‌رود منتهی می‌شد و شاید یکی از دلایل انتخاب آن، کم کردن احتمال فرار بیماران از این مکان بوده است. این مکان را «فراموشخانه» می‌نامیدند که شاید وجه تسمیه آن این بود که خانواده‌ها این بیماران را فراموش می‌کردند و دیگر سراغی از آنها نمی‌گرفتند. هم‌اکنون آن‌جا به پارک حاشیه زاینده‌رود تبدیل شده و محل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است (۱).

شهرداری اصفهان دوباره در پی یافتن مکان مناسب‌تری برمی‌آید و چون بودجه‌ای برای این کار نداشته، تصمیم می‌گیرد یکی از اماکن تاریخی شهر را به این منظور استفاده کند و قرعه به نام «مدرسه صدر خواجو» می‌افتد. این مدرسه به دستور میرزا حسین خان صدر اصفهانی و به تقلید از مدرسه چهار باغ ساخته شده بود و در سال ۱۳۱۷ که شهرداری وقت تصمیم به تبدیل آن به مرکز نگهداری بیماران روانی می‌گیرد حدود یک قرن از ساختن آن می‌گذشت (۲). این مدرسه در سال ۱۳۱۲ از سوی وزارت معارف (آموزش و پرورش) به اداره بلدیّه واگذار شده بود. شهرداری پس از تعمیراتی، ابتدا آن را با عنوان «دارالمساکین» برای نگهداری فقرا، استفاده می‌کند و مدتی بعد تصمیم به تغییر کاربری آن به محل نگهداری بیماران روانی گرفته می‌شود. محله خواجو در آن زمان جزو حاشیه شهر محسوب می‌شد و جمعیت کمی در اطراف آن سکونت داشتند؛ شاید یکی از دلایل انتخاب آن نیز همین بود. در سال ۱۳۱۷، یکی از نشریات محلی اصفهان به نام «اخگر» چنین نوشت (۳): «چون در ساختمان بیمارستان جدید (مدرسه صدر) واقع در چهار باغ خواجو، تمام وسایل نگهداری دیوانگان فراهم شده بود لذا روز شنبه ۲۹ دی، دیوانگان از محل قدیم بیمارستان (خیابان شاهپور) به محل جدید انتقال داده شدند و چند نفر از آنها که حالشان بهبود یافته بود، مرخص گردیدند.» کلمات به کار رفته در این گونه نشریات حکایت از نگرش و دیدگاه منفی مردم - حتی فرهیختگان جامعه - نسبت به بیماران روانی دارد. در شماره دیگری از همین نشریه در سال ۱۳۱۷، مطلب دیگری در این رابطه وجود دارد (۳): «روز پنجشنبه گذشته، برای مشاهده اوضاع به اتفاق بعضی رفقا به بیمارستان شهرداری رفتیم که

در نوشته‌های پیش کسوتان روانپزشکی کشور از جمله شادروانان دکتر حسین رضاعی و دکتر عبدالحسین میرسپاسی نیز از وضعیت نابسامان و کم‌ویش مشابهی در این موارد یاد شده است (۵). دکتر سید مهدی حسن‌زاده از اساتید پیش کسوت گروه روانپزشکی اصفهان در خاطره‌ای از دوران دانشجویی در سال ۱۳۵۳ هنگامی که جهت آموزش عملی درس روانپزشکی به اتفاق سایر دانشجویان برای بازدید به مرکز کاوه می‌رود چنین نقل می‌کند (۱):

«در داخل تیمارستان حدود سیصد بیمار شامل عقب‌مانده‌های ذهنی شدید و بیماران سایکوتیک مزمن همه در کنار هم نگهداری می‌شوند. بیماران همگی ژولیده و کثیف با بدن‌های پر از شپش و در زنجیر بودند. غذا را از روی زمین می‌خوردند و آب آشامیدنی آنها از حوضی که پر از آب کثیف و آلوده بود تأمین می‌شد. در محوطه، بیماران را برهنه ردیف کرده و با شیلنگ حمام می‌کردند.» هنگامی که در پایان بازدید، استاد درس از دانشجویان می‌خواهد که نظرات خود را بیان کنند، یکی از دانشجویان می‌گوید: «استاد! بهتر است با یک مسلسل همه این‌ها را به رگبار ببندیم تا هم خودمان و هم جامعه راحت شوند.» و تنها آقای دکتر حسن‌زاده می‌گوید: «من می‌خواهم روانپزشک شوم تا به این انسان‌های دردمند خدمت کنم.»

این مرکز تا سال ۱۳۵۸ به کار خود ادامه داده تا این که به دنبال بارندگی شدیدی در اصفهان و فروریختن سقف مرکز، کلیه بیماران به مکانی تحت عنوان «کانون کارآموزی و نگهداری از افراد بی‌سرپرست» منتقل می‌شوند. این مرکز در سال ۱۳۵۸ با تغییر کاربری، از جانب وزارت کار به اداره بهداری و بهزیستی اصفهان منتقل می‌شود. این مکان که در حال حاضر بیمارستان «شهید مدرس» نام دارد و دارای ۲۵۰ تخت روانپزشکی فعال است، یکی از مراکز درمانی اصلی روانپزشکی اصفهان است. محل پیشین بیمارستان کاوه نیز در حال حاضر به ترمینال اتوبوس‌های شرکت واحد در خیابان کاوه تبدیل شده است.

سرآغاز روانپزشکی علمی و نوین اصفهان، تشکیل گروه روانپزشکی در سال ۱۳۵۶ است و این در حالی است که در آن زمان حدود سی سال از تأسیس دانشکده پزشکی اصفهان می‌گذشته است. مؤسس گروه، دکتر جمشید ابوالحسن بختیار بود. او پدری ایرانی و مادری آمریکایی داشت و از آن‌جا که دوران تحصیل را در آمریکا گذرانده بود فارسی را به راحتی

صحبت نمی‌کرد. دکتر بختیار به واسطه رابطه دوستانه با دکتر فریدون ضرغام، از او می‌خواهد که تعدادی دستیار روانپزشکی به وی معرفی کند. اولین گروه دستیاران که دکتر بختیار آنها را «هفت جوانمرد» می‌نامید، در سال ۱۳۵۶ دوره دستیاری خود را در بیمارستان فارابی کنونی آغاز می‌کنند. به جز دو نفر، بقیه نسبتاً مسن بودند و چند نفر نیز سابقه کار در مراکز روانپزشکی داشتند. بیمارستان فارابی در آن زمان در خارج از شهر اصفهان و در جاده اصفهان- ناین قرار داشت و با نام بیمارستان «نهم آبان» به عنوان آسایشگاه دولتی مورد استفاده قرار می‌گرفت. این بیمارستان نیز از امکانات چندانی برخوردار نبود، به نحوی که حتی آب آشامیدنی آن نیز به صورت روزانه و توسط خود پرسنل تأمین می‌شد. دستیاران علاوه بر وظایف آموزشی و درمانی در امور دیگری مانند تجهیز وسایل اداری بیمارستان نیز عهده‌دار مسئولیت بودند. این مرکز به تدریج با افزودن بخش‌هایی مانند سل، اورولوژی، ارتوپدی و فک و صورت به شکل بیمارستانی عمومی در می‌آید و تا حدی از برجسب تیمارستان رها می‌شود. بیمارستان فارابی در حال حاضر دارای ۲۸۸ تخت روانپزشکی است و علاوه بر فعالیت‌های درمانی، محل آموزش روانپزشکی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی نیز می‌باشد.

پس از مدت کوتاهی دکتر بختیار تصمیم به تأسیس بخش روانپزشکی در یکی از قدیمی‌ترین بیمارستان‌های عمومی اصفهان (بیمارستان خورشید) می‌گیرد. این بیمارستان در سال ۱۲۹۲ به همت فردی خیر به نام حاج آقا نورالله نجفی و با مشارکت مردمی با عنوان «مریضخانه ملی» بنا می‌شود و به تدریج توسعه می‌یابد. به مناسبت قرار داشتن عمارت کوچکی به نام «سردرب خورشید»، نام این بیمارستان به خورشید تغییر داده می‌شود و در سال‌های اخیر به مناسبت نقش حاج آقا نجفی در تأسیس آن، نام مرکز به «نور و علی اصغر (ع)» تغییر داده می‌شود (شکل ۱). در آن زمان این بیمارستان مرکز اصلی آموزشی دانشکده پزشکی و در واقع یکی از اماکن مهم دانشگاه بود و دفتر رئیس و معاونین دانشگاه در جوار آن قرار داشت (۷). تقاضای ایجاد بخش روانپزشکی در این مرکز با توجه به جو و شرایط و نگرش مردم و حتی مسئولان و استادان برجسته و صاحب نفوذ دانشکده مبنی بر مخالفت با چنین امری اقدامی متهورانه بود و شاید دکتر بختیار یکی از پیشگامان ایجاد بخش روانپزشکی در بیمارستان‌های عمومی در ایران باشد. اکنون با وجود تغییر نگرش چشمگیر نسبت به



شکل ۱- نمای قدیمی بیمارستان خورشید

صورت نمی‌گیرد و گاهی از استادان روانپزشکی تهران که به صورت دوره‌های یک‌ماهه به اصفهان می‌آمدند، برای آموزش در گروه روانپزشکی استفاده می‌شد. دکتر انتظاری نیز پس از مدت کوتاهی مجبور به ترک وطن می‌شود و تا چند سال تنها دکتر حسن‌زاده و دکتر مبارکی عهده‌دار اداره گروه بودند. در سال ۱۳۶۵، دکتر قربانعلی اسدالهی رییس وقت دانشکده پزشکی، مسئولیت مدیریت گروه را به عهده می‌گیرد و از آن زمان تا سال ۱۳۸۸ (بازنشستگی دکتر اسدالهی)، گروه از نظر کمی و کیفی رشد چشمگیری می‌یابد (۸). از اهم اقدامات دوران مدیریت او می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- راه‌اندازی اورژانس روانپزشکی بیمارستان نور در سال ۱۳۷۲؛ که توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان اورژانس روانپزشکی مرجع کشور شناخته شد.
- ۲- شروع به کار بخش و درمانگاه‌های روانپزشکی اطفال با پذیرش دستیار روانپزشکی اطفال از سال ۱۳۷۵
- ۳- تأسیس مرکز تحقیقات علوم رفتاری در سال ۱۳۷۱؛ این مرکز تا کنون با اجرای طرح‌های پژوهشی و انتشار مجله تحقیقات علوم رفتاری، تلاش قابل توجهی در جهت ارتقای فعالیت‌های پژوهشی گروه داشته است.
- ۴- سعی در هرچه تخصصی‌تر کردن فعالیت اعضای گروه و راه‌اندازی درمانگاه‌های تخصصی سالمندان، سوء مصرف مواد، اختلالات روانی-جنسی، وسواس، نوروسایکیاتری و روان‌تنی (با زیرمجموعه درمانگاه‌های اختلالات روان‌تنی قلب، گوارش و پوست) با همکاری اعضای هیئت علمی این رشته‌ها

بیمار روانی و رشته روانپزشکی، متأسفانه هنوز هر از چند گاهی بخش روانپزشکی مرکز خورشید که بخش اصلی آموزش گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان است، با تهدیدهایی مبنی بر جابه‌جایی و انتقال از این بیمارستان مواجه می‌شود. مرکز پزشکی نور و علی اصغر (ع) (خورشید سابق) در حال حاضر با ۱۵۱۸۸ متر مربع زیر بنا، علاوه بر بخش‌های روانپزشکی مردان و زنان، بخش اورژانس روانپزشکی و درمانگاه‌های روانپزشکی عمومی و اطفال، دارای بخش‌های داخلی، قلب، مسمومیت، اورولوژی، نفرولوژی، پیوند کلیه، سی‌سی‌یو، آی‌سی‌یو و دیالیز و درمانگاه‌های قلب، گوارش، ریه، کلیه، اورولوژی، پوست، و غدد است. به این ترتیب، وجود بخش روانپزشکی در این مرکز در افزایش ارتباط بین‌رشته‌ای روانپزشکی با سایر رشته‌ها نقش به‌سزایی داشته است.

اولین گروه دستیاران روانپزشکی در سال ۱۳۵۹ فارغ‌التحصیل می‌شوند و به دنبال آن که دکتر بختیار و چندتن دیگر از اعضای هیئت علمی گروه، ایران را ترک می‌کنند، مسئولیت اداره گروه به دکتر عبدالحسین انتظاری (روانشناس بالینی فارغ‌التحصیل از آمریکا که از بدو تأسیس گروه با دکتر بختیار همکاری داشت) و دو نفر از جوان‌ترین فارغ‌التحصیلان گروه روانپزشکی، دکتر سید مهدی حسن‌زاده و دکتر غلامحسین مبارکی، واگذار می‌شود. دانشگاه چندبار به علت تعداد کم اعضای گروه و دستیاران تصمیم به انحلال گروه می‌گیرد که با مقاومت اعضای گروه مواجه و منصرف می‌شود. طی دوران جنگ تحمیلی، با وجود افزایش مسئولیت‌ها و فعالیت‌های گروه، تغییر چندانی در تعداد اعضا

۵- گسترش فعالیت‌های گروه در زمینه اختلالات روان‌تنی و روانپزشکی رابط موجب تأسیس مرکز تحقیقات روان‌تنی در سال ۱۳۸۹ شد.

نمی‌توان به تاریخچه روانپزشکی اصفهان پرداخت و ذکر از نقش اصفهان در برنامه ادغام بهداشت روان در مراقبت‌های بهداشتی اولیه نکرد. در این طرح که به همت استادانی همچون دکتر احمد محیط، دکتر جعفر بوالهروی، دکتر سید مهدی حسن‌زاده، دکتر کامل شادپور و شادروان دکتر داود شاه‌محمدی و با همکاری سازمان جهانی بهداشت برای اولین بار در شهرضا، یک‌سال بعد در شهرکرد و دو سال بعد در هشتگرد انجام گرفت خدمات بهداشت در شبکه ادغام شد. شبکه بهداشت و درمان شهرضا یکی از شبکه‌های نمونه کشور و برگزیده سازمان جهانی بهداشت در منطقه بود که توسط دکتر حبیب‌الله تابان اداره می‌شد. انجام این طرح و نتایج آن موجب گردید تا او در میانسالی علاقه‌مند به ادامه تحصیل در رشته روانپزشکی شود. دکتر تابان پس از مدتی عضو هیئت علمی گروه و رئیس دانشکده پزشکی شد (۹). اجرای موفقیت‌آمیز این طرح در مناطق مذکور موجب شد تا در سال ۱۳۶۹، بهداشت روان به عنوان نهمین جزء مراقبت‌های بهداشتی به تصویب برسد و به تدریج در کل کشور گسترش یابد (۱۰).

روانپزشکی اصفهان در چند دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی داشته است. از سال ۱۳۵۹ تا کنون ۱۵۲ متخصص روانپزشکی از گروه فارغ‌التحصیل شده‌اند؛ تعداد تخت‌های روانپزشکی شهر صعود چشمگیری داشته است؛ و مراقبت از بیماران به خصوص بعد از تأسیس گروه روانپرستاری دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از حالت غیرعلمی و ناهنجار گذشته خارج شده و آموزش‌های عمومی به‌ویژه برگزاری کلاس‌های مختلف برای خانواده‌ها تا حد زیادی نگرش مردم را نسبت به روانپزشکی و بیماری‌های روانی تغییر داده است. با این حال به نظر می‌رسد هنوز راهی طولانی برای رسیدن به وضعیت مطلوب در پیش است. امید است با جدیت و پشتکار نسل جدید فارغ‌التحصیلان روانپزشکی و روانشناسی و برنامه‌ریزی مناسب مسئولان و دست‌اندرکاران امر بهداشت روان، نقایص و ضعف‌های موجود در ارائه خدمات بهداشت روان به حداقل ممکن برسد.

### سپاسگزاری

بدون شک اشخاص زیادی در پیشرفت روانپزشکی در اصفهان نقش داشته‌اند که ذکر نام آنها در این مختصر

امکان‌پذیر نبود. با قدردانی و سپاس از آنان، لازم است از همکار تازه‌درگذشته‌مان مرحوم محسن یزدانی (عضو هیئت علمی گروه روانپرستاری) که چندماه پیش در حین انجام وظیفه در مرکز فارابی دارفانی را بدرود گفتند یاد کنیم و از خداوند متعال برای ایشان طلب مغفرت و آمرزش نماییم. در تدوین مقاله از کتاب زندگی‌نامه خودنوشت جناب آقای دکتر فریدون ضرغام از قدیمی‌ترین روانپزشکان اصفهان بسیار بهره بردم. همچنین از همکاری سرکار خانم طاهره حیدری و جناب آقای محمدعلی احمدی سپاسگزارم.

[بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، حمایت مالی از پژوهش و تعارض منافع وجود نداشته است].

### منابع

- Zargham F. From the Molla Zolfaghar school to psychiatry. Isfahan: Naghsh-e-mana; 2011. [Persian]
- Jaber Ansari H. History of Isfahan. Isfahan: Isfahan Mashal; 2000. [Persian]
- Rajaei A. Psychiatric Hospital of Isfahan. [Internet]. Isfahan; 2010. [updated 8/11/2010]. Available from: [www.esfahanpeople.persianblog.ir/isfahan/tag/timarestanesfahan](http://www.esfahanpeople.persianblog.ir/isfahan/tag/timarestanesfahan)
- Kalbasi M. Norroz of Mr. Asadi. Tehran: Cheshmeh; 2011. [Persian]
- Mirsepasi G. Definition and history of psychiatry in Iran. In: Ghalebani M, editor. Textbook of clinical psychiatry and behavioral Science. Tehran: Arjmand; 2012. [Persian]
- Anvari H. Medicine and pharmacy faculty guidance. Isfahan: Isfahan University; 1967. [Persian]
- Adib A. From school to university. Isfahan: Medical University of Isfahan; 2006. [Persian]
- Isfahan Psychiatric Association. Dr. Ghorbanali Asadolahi. IPA Newsletter. 2010; autumn-winter, 18-19. [Persian]
- Hasanzadeh M. Evaluation of integration of mental health into Shahreza city health center. Daru va Darman [Medicine and Treatment]. 1992; 10(11):15-20. [Persian]
- Bolhari J, Ahmadkhaniha HR, Hajebi A, Bagheri SA, Naserbakht M, Karimi E, et al. Evaluation of integration of national mental health program in PHC. Iran J Psychiatry Clin Psychol. 2011; 17(4):271-8. [Persian]